

## نهاد فراگیر اجتماعی در سایه جمع..

سرنوشت هر ملتی با گذشته، امروز و فردایش گره خورده است. بشر، آینده خویش را در تصمیم و در سایه اراده رقم میزند.

آنچه مسلم است پایه و اساس زندگی در قالب دموکراسی بر پایه ارتباط مردمی "مردمسالاری" جان میگیرد. آنچه ما ایرانیان را در زندگی عقب انداخته بستن امید به دیگران است. بیگمان "مردم" میتوانند در رقم زدن آینده جامعه خویش سهیم و در گردش کارهای این ارتباط "مردمی" کار ساز باشند.

اگر تابحال به عنوان شهروند درجه دوم عمل کرده ایم و خوشه چین کشت و آبیاری دیگران بوده ایم، بر ماست که در سایه تحول سیاسی بجای تماشاچی بودن نقش اول را بعهده بگیریم و با قبول مسئولیت سرنوشت خویش را رقم بزنیم. از مردمسالاری سودی نخواهیم برد مگر از توانایی های خویش در چرخش چرخ های دموکراسی بهره بگیریم.

"رای" و "صدا" دو عامل اصلی مردمسالاری هستند. رای تنها بدون داشتن صدا و یا صدای تنها بدون ارائه رای صائب و موثر، به مقصود نزدیک نخواهد شد.

برای وارد شدن به مردمسالاری بکار گرفتن استعدادها ضروری میآید. استعدادها در سایه تعلیم و آشنایی به امور و آگاهی از حقوق فردی متبلور میشوند. حقوق فردی بنیان و اساس دموکراسی است. عدم آگاهی از حقوق فردی تجاوز را حریف آسان و مسلم میکند. در سایه آگاهی کامل از حقوق فردی، "فرد" یعنی آحاد جامعه مدافع اولیه دموکراسی خواهند بود. عدم آگاهی فرد از حقوق اولیه موجب خواهد شد که دیگران از آگاهی یا زورمداری خود برای تجاوز به حق آحاد ملت سوء استفاده کنند.

بایستی از راه های علمی و عملی "رای" و "صدا" را مسلح کنیم تا در راه یابی به حقوق اجتماعی توانا باشیم.

ساختار اجتماعی ما در گذشته آنچنان بوده که مردم را نا آگاه نگهدارد تا راهکارهای تجاوز به حق مردم باز بماند.

عدم آشنایی به اصول دموکراسی یعنی قانون فردی و در مرحله دوم قوانین اجتماعی راه تجاوز به افراد را باز میگذارد. برای سعادت خویش و آیندگان ما نیازمند آشنایی به باور، تحمل، احترام، همراهی و همگامی و بالاخره دوستی و آشنایی با خود و دیگران هستیم.

یک پارچگی ملی حاصل نخواهد شد مگر در راستای گردهم آیی ها، گفت و شنودها و تبادل نظرها و احترام به نظرات، پیشنهادات و راهنمایی های دیگر آحاد ملت. در این راستا؛ توجه، شنیدن، گوش دادن، و تحلیل قبل از پاسخ و عکس العمل ضروری است. پیشنهاد ارائه شده شاید راهکار مشکل امروز شما و ای بسا فردای شما باشد، در حالیکه حمله و رد پیشنهاد دیگران نه تنها خامی و بی پشتوانه بودن گفتار شما را رقم خواهد زد بلکه کمبود بلوغ فکری تانرا تانید خواهد نمود.

طبیعی است برای ساختار چنین نهادی در مرحله اول ضروری است که فرد، فرد جامعه از زیر و بم حقوق خود آگاه شوند؛ سپس به پشتوانه معنوی و معنوی نیاز خواهد بود.

پشتوانه معنوی تنها در سایه حضور هواداران و مشتاقان مردمسالاری در یک هم-آیند ثابت، میسر است. بدین معنی که هنگام چالش شهروندی با مجری قانون در راستای اثبات حقوق حقه خویش، یا باید او را کاملاً بحال خود و وکیلش رها سازیم یا اگر باور داریم حق با اوست، از هم صدایی با وی دریغ نوزیم.

مسلم این است که "مردم" هر قدر هم قانونمدنی پیشه شان باشد در مقام اقلیت مورد ظلم واقع شدن را ناگوارا تجربه خواهند کرد.

چنانچه آحاد جامعه در سایه قانون دستجمعی به حل مشکلات اجتماعی همت کنند حتی نیازی به شخص ثالث به عنوان رهبر، ولی، قیم یا راهنما نخواهد بود. اصول ملی و میهنی و منافع مشترک جامعه بهیچوجه نبایستی با عوض شدن افراد در راس کارها فداشود. قانون است که باقی میماند نه شخص.

از خود خواهی باید شدیداً پرهیز کنیم، بدلیل اینکه چالش دیگران در کار ایجاد تاخیر و وقفه میکند. قانون را به نفع زورمداران جریحه دار نکنیم. قانون احترام والایی دارد و نباید فدای خود خواهیها شود.

اگر مشتاق حرکت زیر بنایی دموکراسی هستیم اول رعایت قانون را از خود شروع کنیم، حق را بشناسیم و به حقوق دیگران احترام بگذاریم.

حرکت جمعی میسر نمیشود مگر در سایه و با تکیه به پشتوانه مادی آحاد جامعه. نهاد اجتماعی بهراندازه و در هر زمینه ای به پشتوانه مالی نیاز دارد که از راه حق عضویت، مالیات، یا در شروع حرکت با تکیه به کمک مالی هواداران آن حرکت باید تامین شود.

میتوان کم پوشید، ارزان سوار شد، صرفه جو بود ولی زندگی با ذلت در غربت شایسته همت والای ایرانی نیست.

نوشته: ح.ک.